

جانفرانکو پوچی

---

---

# تکوین دولت مدرن

درآمدی جامعه‌شناختی

---

---

ترجمه

بهزاد باشی



## فهرست

- ۷ یادداشت مترجم
- ۹ پیشگفتار
- ۱۷ ۱. مقدمه: مقوله حکومت [کردن]
- سیاست به عنوان تخصیص (۱۸)، سیاست به عنوان «ما» در برابر «دیگران» (۲۳)، اختلاف دو نظریه (۲۹)، وجوه توافق دو نظریه (۳۱)، تئوری تفکیک قوا (۳۴).
- ۳۹ ۲. نظام فئودالی حکومت
- ظهور فئودالیسم (۴۱)، ماهیت روابط فئودالی (۴۵)، گرایشات موجود در نظام (۵۲)، میراث سیاسی نظام فئودالی (۶۱).
- ۶۹ ۳. اشتندشئات
- ظهور شهرها (۷۰)، اشتند، اشتند و اشتندشئات (۷۸)، دوبن‌گرایی به عنوان یک اصل ساختاری (۸۴)، گروه‌های تشکیل‌دهنده (۹۱)، میراث سیاسی اشتندشئات (۹۸).
- ۱۰۳ ۴. نظام مطلقه حکومت
- شهرها و افول اشتندشئات (۱۰۶)، عنصر فئودالی و افول اشتندشئات (۱۱۱)، حاکم و دربار او: فرانسه (۱۱۴)، جنبه‌های جدید حکومت (۱۲۰)، حاکم و دستگاه دیوان‌سالاری او: پروس (۱۲۴)، ضرورت پیدایش جامعه مدنی (۱۲۸)، چالش سیاسی جامعه مدنی (۱۳۰).

۵. دولت مبتنی بر قانون اساسی قرن نوزدهمی ۱۴۱  
حاکمیت و نظام دولت‌ها (۱۴۳)، وحدت دولت (۱۵۰)، «تجدد»  
دولت (۱۵۴)، مشروعیت قانونی-عقلی (۱۶۳)، تضمین‌های ناشی از  
قانون اساسی (۱۶۶)، مشخصه‌های مهم فراگرد سیاسی (۱۷۲)، طبقات  
مهم مسایل سیاسی (۱۷۹).

۶. دولت و جامعه در دوره لیبرالیسم و بعد از آن ۱۸۵  
فشار منافع جمعی (۱۹۲)، تحولات سرمایه‌داری: تأثیر آن روی  
نظام اشتغال (۱۹۷)، تکوین سرمایه‌داری: تأثیرهای آن روی نظام تولید  
(۲۰۰)، در جست‌وجوی مشروعیت (۲۰۷)، فشارهای داخلی در جهت  
توسعه حکومت (۲۱۰)، نتایج فشارهای وارده از سوی دولت و جامعه  
(۲۱۶).

## یادداشت مترجم

از خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود با در نظر گرفتن نکات زیر این ترجمه  
را مطالعه فرمایند:

۱. در فصل‌های ابتدای کتاب مبنای بحث روی واژه "State" و تکوین  
آن بنا شده است. این واژه در فرانسه "état" و در آلمانی "Staat" است.  
علی‌القاعده می‌بایست آن را به «صنف» برمی‌گرداندیم. اما در این کتاب،  
نهایتاً همان معنایی را مراد می‌کند که از واژه «دولت»، در مفهوم امروزی  
فارسی آن دریافت می‌شود. به‌ناچار آن را «دولت» گفته‌ایم - شاید  
می‌توانستیم «دولت ایستا» یا «دولت پایدار» بگوییم.

مؤلف در موارد معدودی از واژه انگلیسی "Polity" که به مفهوم  
فارسی «دولت» نزدیک‌تر است، استفاده می‌کند. اما در این موارد هم  
منظورش «حکمرانی» است.

۲. واژه estate، جدا از مفهوم مارکسیستی آن، می‌توانست به «رده»،  
«رسته»، یا حتی «سبک» ترجمه شود. اما مؤلف در این کتاب با کاربرد این  
واژه اصناف سه‌گانه روحانی، اشراف و شهریان را مراد می‌کند که در

اواخر دوران فئودالی اروپا وجود داشتند. بنابراین، این واژه را به «صنف» برگردانده‌ایم.

۳. در برابر واژه "territory" (ارض، ارضی)، آن‌طور که منظور مؤلف بوده، واژه‌های «کشور» و «مملکت» را به کار برده‌ایم؛ اما در مواردی نیز، بنابر مفهوم آمده در کتاب، «قلمرو» یا «سرزمین» آورده‌ایم.

۴. منظور از "estates general" (مجمع عمومی اصناف) که تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه فعال بوده و نمایندگان هر سه صنف در آن عضویت داشتند، «مجلس قانون‌گذاری» است.

پس از ترجمهٔ جامعهٔ فئودالی، مارک بلوخ، پیوسته در جستجوی کاری بودم که دنبالهٔ تحقیق را، از همان جایی که بلوخ رها کرده بود، تا به امروز ادامه داده باشد. رسالهٔ پُراج پروفیسور پوجی همان است. با سپاس از آقای دکتر فرهنگ رجایی که در اواخر اسفندماه ۱۳۶۸ این کتاب را پیش رویم گذاشت.

دست‌نوشته‌های ترجمهٔ این کتاب از نظر همکاران شفیق و عزیزم آقایان دکتر فریدون نوایی و احمد تدین گذشته است. سپاسگزار تذکرات سودمند ایشان هستم.

بهزاد باشی

## پیشگفتار

جامعه‌شناسان غربی، در این اواخر، به گونه‌ای فزاینده به یک رشته مسایل متنوع توجه کرده‌اند که استنباط از دولت هستهٔ مرکزی همهٔ آن‌ها را تشکیل می‌دهد. برای مثال، یکی از مسایل تعیین هویت شاخص‌های بنیانی ساختار دولت، ابعاد و اهمیت گونه‌گونگی‌های آن در ادوار و کشورهای مختلف است. مسئلهٔ دیگر درک علل، حالات و تأثیرات مداخلهٔ ظاهراً روزافزون دولت در تمامی امور اجتماعی است. باز سنجش علل و تأثیرات سیاست‌های دولت، روابط آن با مجتمع‌های نهادی و نیروها و سازمان‌های متنوع بین‌المللی، یکی دیگر از مسایل مورد توجه است.

تا همین اواخر، این مضامین از لحاظ عرصهٔ جامعه‌شناسی، امری بیگانه یا، در بهترین حالت، موضوعی حاشیه‌ای تلقی می‌شد. دست‌کم به سه دلیل چنین تلقی‌ای رایج بوده است:<sup>۱</sup> نخست، جامعه‌شناسی در

۱. رک. به مقالات من در: